

## فرهنگستان زبان و ادب فارسی

روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی خرداد ۱۳۸۸  
زیر نظر: حسن قریبی / ویرایش و معرفی کتاب: مرتضی قاسمی  
نشانی: بزرگراه حقانی، بعد از ایستگاه مترو میرداماد، مجموعه فرهنگستانها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
تلفن: ۸۸۶۴۲۵۳۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۱۲  
وبگاه: www.persianacademy.ir



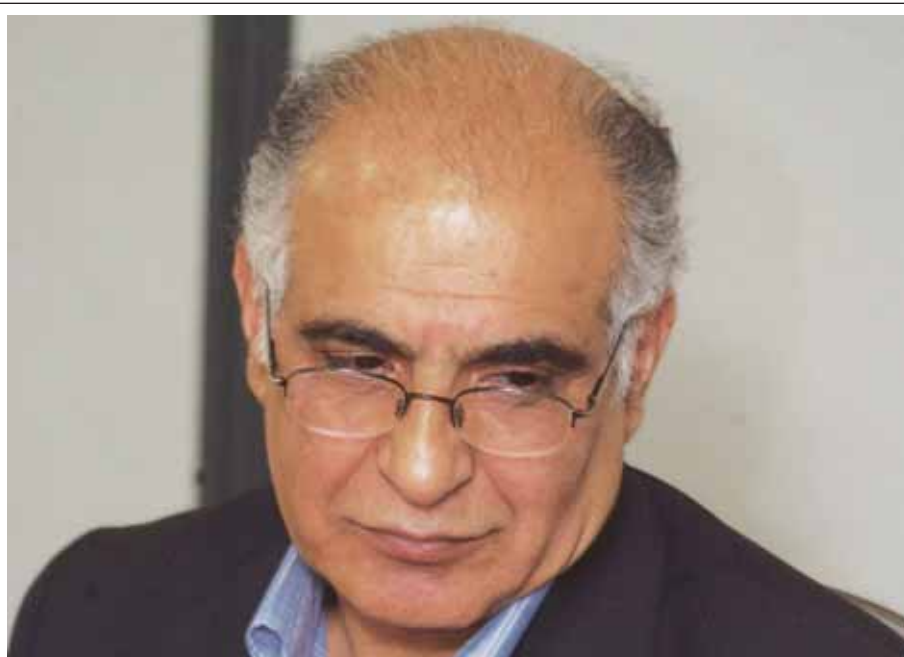
کاملاً روشن است. این تنها طریقتی است که ادعا می‌کند سلسله ارشادش به ابوبکر برمی‌گردد و نه به حضرت علی<sup>(ع)</sup> ولی در هر حال یک پدیده تاریخی بسیار مهمی است.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برای مدرسان زبان فارسی در خارج از کشور دو مشکل عمده ایجاد کرده است؛ یکی اینکه تعداد زیاد از ایرانیان به علل مختلف به امریکا مهاجرت کرده‌اند و فرزندان آن‌ها وقتی به دانشگاه می‌آیند - و البته از قبل با زبان فارسی آشنایی مختصری دارند - تعدادشان از تعداد دانشجویان امریکایی‌الاصل به مراتب بیشتر است. این است که در تمام کلاس‌های فارسی به احتیاجات این گروه ایرانی - امریکایی بیشتر توجه می‌شود تا به احتیاجات کسانی که ایرانی نیستند و آشنایی قبلی با زبان فارسی ندارند و طبیعتاً این گروه دوم محروم می‌مانند. برای جلوگیری از این مشکل ما هنوز راه‌حلی پیدا نکرده‌ایم. گهگاه بچه‌های ایرانی زرنگی می‌کنند و می‌گویند اسم من فلان است ولی فارسی بلد نیستم. بعد می‌آیند سر کلاس و مشخص می‌شود که می‌توانند به راحتی صحبت کنند و می‌خواهند نمره خوب بگیرند. مشکل دیگر این است که به علل سیاسی، آمدن دانشجویان امریکایی به ایران مشکل شده است؛ بنابراین، در این سال‌های اخیر تعداد زیادی از این دانشجویان امریکایی به دوشنبه تاجیکستان سفر کرده‌اند. تاجیکستان کشوری است که شاید بتوانیم بگوییم فارسی‌زبان است؛ البته زبانی که آنجا تدریس می‌شود همان زبان فارسی است ولی لهجه محلی تاجیکی تفاوت زیادی دارد با فارسی ایران دارد و وقتی که دانشجویان ما برمی‌گردند و با دانشجویان ایرانی شروع می‌کنند به صحبت کردن، دانشجویان ایرانی می‌خندند و می‌گویند مثل دهاتی‌ها صحبت می‌کنید. اینکه دانشجویان ما بروند به تاجیکستان و لهجه‌ای از زبان فارسی را یاد بگیرند از هیچ بهتر است، ولی البته جای فارسی متداول ایران را نمی‌گیرد.

در برکلی، در دوره مقدمات زبان فارسی، ما حدوداً بیست نفر داریم که پانزده - شانزده نفر اهل ایران هستند و بقیه غیرایرانی و با کمال تأسف دیده می‌شود که وقتی دانشجویان غیرایرانی به سال دوم می‌رسند اکثرشان ادامه نمی‌دهند، برای اینکه می‌بینند بیشتر به احتیاجات دانشجویان ایرانی‌الاصل توجه می‌شود.

یاد گرفتن زبان کار آسانی نیست. اگر علاقه به مردمی که به آن زبان تکلم می‌کنند در قلب انسان نباشد فکر نمی‌کنم در یاد گرفتن زبان موفق باشد. و اما سطح‌هایی که ما در دانشگاه داریم، با نظام امریکایی حتماً آشنا هستید. دانشجویان یک رشته انتخاب می‌کنند، یعنی موظف هستند بعضی از درس‌های کلی را در رشته‌های مختلف مثل علوم اجتماعی، علوم طبیعی، تاریخ امریکا بخوانند و بعد تمرکز می‌کنند روی یک رشته که بیشتر مورد علاقه‌شان باشد. کسانی که مایل هستند می‌توانند در دانشگاه ما رشته ادبیات فارسی را در سطح کارشناسی انتخاب کنند. درس‌های سطح کارشناسی زبان و ادب فارسی عبارت است از زبان مقدماتی، متوسطه و پیشرفته، مقدمه بر ادبیات معاصر و یکی دو درس درباره تاریخ و فرهنگ ایرانی. بعد که می‌رسیم به دوره کارشناسی ارشد، دانشجویان باید در کنار فارسی، عربی هم بخوانند و درس‌های مختلفی در سطح پیشرفته‌تر به آن‌ها ارائه می‌شود، از جمله ادبیات کلاسیک ایران، آثار منظوم و آثار منثور. یکی از درس‌هایی که بنده هر چند سال یک بار تدریس می‌کنم، متون تاریخی فارسی است. بعد می‌رسیم به سطح دکتری که باز هم دانشجویان فرصت دارند در رشته ادبیات و تاریخ و یا دین و مذهب کار کنند. درس‌های انفرادی هم برای آن‌ها می‌گذاریم تا با موضوعی که می‌خواهند درباره آن پایان‌نامه بنویسند تطابق داشته‌باشد و بعد از دو سال درس خواندن یا احیاناً سه سال، شروع می‌کنند به نوشتن پایان‌نامه.

## شما که غریبه نیستید



شما که غریبه نیستید! دل‌ودماغ نوشتن ندارم این روزها؛ خصوصاً نوشتن یادداشت و مقاله و چیزهایی از این دست که کم نوشته‌ام در عمرم. هر وقت هم نوشته‌ام چیز دندان‌گیری نشده، به‌جای «مقاله» داستان از کار درآمده. اصلاً هرچه نوشته‌ام همین جوری شده. زندگی‌نامه هم که نوشتم قصه شد، بی‌آنکه خیال‌پردازی کنم. این جوری شروع شد:

صفحه ۱۰

## شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، میزبان پروفیسور حامد الگار



دوشنبه، بیست و پنجم خردادماه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی میزبان پروفیسور دکتر حامد الگار، پژوهشگر و استاد پیشین مطالعات اسلامی و زبان فارسی دانشگاه برکلی امریکا بود. وی که در بخش مجموعه آثار منتشرشده در زمینه انقلاب اسلامی، برگزیده بخش خارجی دومین جشنواره بین‌المللی فارابی و موفق به کسب رتبه برتر شده است، به دعوت دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در جلسه شورا حضور یافت.

پروفیسور الگار در سال ۱۹۶۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۶۵ دکتری مطالعات اسلامی خود را از دانشگاه کمبریج دریافت کرد. وی رساله دکتری خود را با عنوان «تأثیر علمای دینی در ایران دوره قاجار تا انقلاب مشروطه» تدوین کرد که به زبان فارسی هم ترجمه شده است. دکتر الگار همچنین موفق به کسب دکتری افتخاری رشته تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه تهران شده است. پروفیسور الگار به بیش از پنج زبان زنده دنیا، از جمله فارسی، تسلط کامل دارد و از وی تاکنون بیش از دویست کتاب و مقاله در زمینه مطالعات اسلامی و تاریخ ایران منتشر شده که بسیاری از آن‌ها به فارسی ترجمه شده است.

پروفیسور الگار با شرح فعالیت‌های خود در زمینه زبان فارسی، از وضعیت این زبان و نحوه تدریس آن در دانشگاه‌های امریکا و همچنین وضعیت دانشجویان زبان فارسی، در بخشی از سخنان خود گفت: در سال‌های اخیر کارهای بنده بیشتر در دو رشته بوده است؛ یکی تاریخ تشیع در ایران، مخصوصاً در دوره مدرن، یعنی از قرن ۱۹ به بعد. البته با توجه به سوابق تاریخی در این زمینه مقالات متعددی نوشته‌ام. موضوع دیگری که روی آن کار کرده‌ام طریقت نقش‌بنده است و باینکه اکثر امهات‌الکتب طریقت نقش‌بنده به زبان فارسی است، بعید است که در ایران رواج چندانی داشته‌باشد؛ البته به استثنای کردستان و بعضی از مناطق سنی‌نشین که علتش هم

## اولین جلسه مشترک شوراهای واژه‌گزینی

نسرین پرویزی



### با احترام

غلامعلی حدّاد عادل

تکریم اهل علم، کاری انسانی و عقلایی است و در دین و آیین و سنت علمی ما نیز ریشه‌های دیرینه دارد. تألیف و انتشار کتابی سودمند به نام و به احترام یک استاد برجسته، از جمله سنت‌های پسندیده‌ای است که در مغرب‌زمین در بزرگداشت اهل علم و فرهنگ رواج دارد. این سنت در دهه اخیر در جامعه علمی ما نیز مرسوم شده و کتاب‌هایی با نام عمومی «جشن‌نامه»، در حیات استاد مورد نظر، و «یادنامه»، پس از وفات او، انتشار یافته‌است. این کتاب‌ها عموماً از مجموع مقالاتی فراهم می‌آید که جمعی از همکاران و شاگردان و دوستان آن استاد که در رشته تخصصی وی گام می‌زنند و صاحب‌نظرند، می‌نویسند و تقدیم می‌کنند. گاه نیز یادنامه‌ها و جشن‌نامه‌ها، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ایرادشده در همایش‌هایی است که به نام شخصیت مورد نظر و در بزرگداشت وی برپا شده‌است.

با احترام، دفتری است فراهم‌آمده از سی‌وسه مقاله که در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۷، یعنی در مدت سی‌وهفت سال، به قلم دکتر غلامعلی حدّاد عادل نوشته شده و به حضور شماری از استادان حوزه و دانشگاه تقدیم شده‌است؛ استنادی که یا بی‌واسطه دانش‌آموز و دانشجوی آنان بوده و در کلاس‌های درس آن‌ها حضور داشته‌است و یا از طریق مطالعه آثار و درک مکرر محضر و استماع سخنانشان در محافل و مجالس و همکاری با آنان در مؤسسات علمی، مانند دانشگاه تهران و فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد دایرةالمعارف اسلامی از اندیشه و علمشان بهره گرفته‌است.

قدیمی‌ترین مقاله این مجموعه «نجوم در فلسفه ارسطو» است که به سال ۱۳۵۰ نوشته شده و اندکی بعد در یادنامه علامه امینی به چاپ رسیده و تازه‌ترین آن‌ها مقاله‌ای است که برای درج در جشن‌نامه استاد دکتر منوچهر هر ترضوی نوشته شده‌است.

مقالات گردآمده در این مجموعه در حوزه‌های «زبان و ادبیات»، «تعلیم و تربیت»، «تاریخ و تاریخ علم»، «سیاست و مباحث اجتماعی» و «فلسفه» نگاشته شده‌است که عناوین برخی از آن‌ها عبارت است از: «چرا زبان فارسی را دوست داریم؟»، «گلگشتی در مکتوبات مولانا»، «اقتدار فرهنگی و زبان فارسی»، «امام خمینی و تعلیم و تربیت»، «جلوه‌های معلمی استاد مطهری»، «مختصری در باب اهمیت تاریخ»، «آشنایی ایرانیان با علوم جدید»، «کاری که فلسفی کرد...»، «رابطه دینامیس و جوهر در فلسفه لایبنیتس»، «نقش علامه طباطبایی در احیای فلسفه اسلامی» و «توضیحی در باب اختیار در فلسفه کانت».

با احترام: مجموعه مقالات اهداشده به استادان، عنوان مجموعه‌ای است به قلم دکتر غلامعلی حدّاد عادل، رئیس محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، که در ۵۲۲ صفحه (شش + ۵۲۶) و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، به بهای ۹۵۰۰۰ ریال، از سوی انتشارات هرمس منتشر شده‌است.

واژه‌هایی که در گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بررسی می‌شود، برای آنکه مصوب فرهنگستان تلقی شود لازم است در شوراهای واژه‌گزینی مطرح گردد. شوراهای پنج‌گانه واژه‌گزینی فرهنگستان متشکل از تعدادی از اعضای پیوسته و تنی چند از متخصصان و صاحب‌نظران است که در پنج گروه مجزا در هر هفته تشکیل جلسه می‌دهند و واژه‌های گروه‌های تخصصی را بررسی می‌کنند. برای اینکه روند کار این شوراهای و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها با یکدیگر هماهنگ‌تر شود، فرهنگستان بر آن شد در پایان هر فصل جلسه‌ای مشترک با حضور همه اعضای این شوراهای تشکیل دهد و مسائل و مشکلاتی را که شوراهای در طول جلسات به آن‌ها برخورد کرده‌اند مطرح نمایند. اولین جلسه مشترک شوراهای واژه‌گزینی در تاریخ سی‌ام خردادماه ۱۳۸۸ تشکیل شد. در این جلسه موضوعاتی به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

#### ۱. استفاده از مصدرهای برساخته

پیش از این، استفاده از مصدرهای برساخته (جعلی) در شورای فرهنگستان تأیید شده بود، مشروط بر اینکه ضرورت آن در مورد واژه خاصی در جلسات شورای واژه‌گزینی احساس شود. ترجیح آن است که خود مصدر به تصویب نرسد و از اشتقاق و ترکیبات آن استفاده شود. مصدر برساخته را می‌توان صرفاً در مواردی که به صورت اسم به کار می‌رود، در برخی حوزه‌ها تصویب کرد. از آنجاکه ساختن مصدر برساخته همچنان یکی از موارد بحث در جلسات شوراهای واژه‌گزینی است، این مسئله مجدداً با حضور همه اعضا و برای عملکرد یکدست شوراهای در جلسه مشترک مطرح شد. رؤس مطالب مطرح‌شده به شرح ذیل است:

– هرچند در زبان فارسی قدیم از اسم و صفت و حتی در موارد نادری از حرف اضافه مصدر ساخته‌اند، امروز گرایش فارسی‌زبانان این است که فعل مرکب بسازند؛

– در قدیم اسم مصدر با پسوند «-ش» ساخته می‌شده‌است؛ در زبان قاعده‌ای هست که بر اساس آن وقتی یک لفظ برای بیان معنایی وجود دارد، زبان از ساختن لفظ جدید ابا دارد. مثلاً در مواردی که لفظ عربی به صورت اسم مصدر وارد زبان فارسی شده و معنا را رسانده‌اند، از پسوند «-ش» استفاده نشده‌است، مانند «رقص» و «فهم» که اسم مصدر هستند و ما «فهمش» و «رقصش» نساخته‌ایم. همچنین مصدر «دزدیدن» که از اسم ساخته شده و از آنجاکه «دزد» خود معنای فاعلی دارد، «دزدنده» در زبان ساخته نشده‌است؛

– چون مصدرهای شینی خنثی هستند و در بسیاری از موارد لازم و متعدی بودن آن‌ها روشن نیست، در علوم بیشتر کاربرد دارند؛ در گویش‌های گیلکی، مصدرهای متناظر با مصدر برساخته را با «استن» می‌سازند، اساساً واژه‌ها یا سماعی هستند یا قیاسی. مصدر برساخته سماعی است و ادباً پرهیز داشته‌اند از آن‌ها استفاده کنند؛ از این‌رو، به جای «فهمیدن»، «فهم کردن» می‌گفتند. ولی در علوم استفاده از آن‌ها اشکالی ندارد.

– در زبان فارسی، امروز به قیاس لفظی مانند گرمایش و نرمش ساخته شده‌است. ما در قدیم گرمش داشته‌ایم و بعد گرمایش را ساخته‌ایم و به قیاس با آن سرمایه‌های هم ساخته شده‌است. در پایان این بحث همه اعضا توافق داشتند که مطابق مصوبه فرهنگستان عمل شود و در مواردی که ضرورت دارد از مصدرهای برساخته اشتقاق و ترکیب ساخته شود.

#### ۲. استفاده از خط تیره در میان واژه‌های هم‌ارز

– در زبان نوشتاری فارسی علائمی چون خط تیره و دوکمان (پرانتر) و قلاب (کروشه) و ویرگول وجود نداشت و الفاظ هم‌پایه در کنار هم و بدون فاصله یا چسبیده به هم نوشته می‌شده‌است، مانند سرخابی؛

– در مواردی که ضرورت دارد می‌توان از این علائم استفاده کرد. چنانچه افراط شود، نهایت نخواهد داشت؛

– خط تیره جدا بودن الفاظ را مشهودتر و پررنگ‌تر می‌کند؛ در زبان‌های فرنگی هم خط تیره ابتدا در میان کلمات می‌آید و پس از مدتی برداشته می‌شود. در مواردی نیز بسته به نوع پسوند و مقوله دستوری واژه‌ها، الفاظ بدون خط تیره یا با خط تیره آمده‌است، مانند: sociocultural و sociolinguistics؛

– در مواردی نمی‌توان به جز خط تیره چیز دیگری گذاشت. خط تیره نسبتی بین طرفین ایجاد می‌کند که ضروری به نظر می‌رسد، مانند: فرهنگ فارسی – انگلیسی. در اینجا خط تیره به معنی «به» است. البته معنای خط تیره یا لزوم حذف خط تیره، در بسیاری موارد، با توجه به متن روشن می‌شود. خط تیره نوعی با هم بودن الفاظ را، فارغ از عطف و اضافه، نشان می‌دهد؛

– در بسیاری از واژه‌های علمی حذف خط تیره مشکل معنایی ایجاد می‌کند، مثلاً در عدسی کاو – کاو، یا عدسی تخت – کوژ. در پایان توافق شد که در موارد ضروری از خط تیره استفاده شود؛ باین‌حال، تحقیق جامعی در مورد تمامی علائم نوشتاری صورت گیرد.

#### ۳. استفاده از دوکمان (پرانتر) در معادل مصوب

گاه فرهنگستان اصطلاحی را تصویب می‌کند که می‌توان آن را به صورت کامل یا با حذف بخشی از آن به کار برد و در واقع بخش قابل حذف را در داخل دوکمان قرار داد. از آنجاکه در فرهنگ‌های معمول هیچ لفظی در داخل دوکمان مدخل نمی‌شود، در تدوین جزوه‌ها و فرهنگ‌های فرهنگستان، اصطلاح مورد نظر ابتدا به صورت کامل و سپس به صورت کوتاه‌شده در کنار هم مدخل شده و با ویرگول از هم جدا شده‌اند. از آنجاکه در شوراهای واژه‌گزینی هنوز توافقی بر سر این موضوع حاصل نشده‌است و چندگونه عمل می‌شود. این مطلب در جلسه مشترک مطرح شد. مطالب زیر گوشه‌ای از بحث‌های جلسه است:

– هر نشانه خلاصه‌شده یک توضیح است و نباید از علائم سجاوندی هراس داشت؛

– در هیچ فرهنگی دوکمان به معنی مورد نظر فرهنگستان به کار نرفته‌است. هرچند ما می‌توانیم روش خود را داشته‌باشیم و چنانچه اصرار داشته‌باشیم به کار ببریم باید در مقدمه توضیح کافی داده شود؛

– در فرهنگ‌های معمول این دو صورت اصطلاح را مترادف هم قرار می‌دهند و یکی به دیگری ارجاع داده می‌شود و مطابق استاندارد بین‌المللی در مدخل از دوکمان استفاده نمی‌کنند؛ چرا که در غیر این صورت در فهرست الفبایی واژه‌ها قرار نخواهد گرفت؛ – می‌توان کلمه مورد نظر را با نوع حروف متفاوتی نشان داد؛

– تصمیم قطعی در این مورد اتخاذ نشد و قرار شد در جلسات بعدی بیشتر بررسی شود.

## شما که غریبه نیستید

هوشنگ مرادی کرمانی

شما که غریبه نیستید! دل و دماغ نوشتن ندارم این روزها؛ خصوصاً نوشتن یادداشت و مقاله و چیزهایی از این دست که کم نوشته‌ام در عرم. هر وقت هم نوشته‌ام چیز دندان‌گیری نشده، به جای «مقاله» داستان از کار درآمده. اصلاً هرچه نوشته‌ام همین جور شده. زندگی‌نامه هم که نوشتم قصه شد، بی‌آنکه خیال‌پردازی کنم. این جور شروع شد:

داشتم با پسر من توی بهشت زهرا، میان قبرها، قدم می‌زدم، گفتم: «همه این‌هایی که اینجا خوابیده‌اند می‌توانستند نویسنده بشوند. لاقلاً یک رمان خواندنی و ماندنی می‌نوشتند. موضوع نو و جالبی داشتند و آن زندگی خودشان بود که با دیگری فرق می‌کرد. هسته اصلی و ریشه همه هنرها زندگی است. فقط کافی بود که صداقت داشته باشند و اینکه بدانند چه چیزهایی را از زندگی انتخاب کنند که به درد نوشتن بخورد.»

گفت: «چرا خودت زندگی‌نامه‌ات را نمی‌نویسی. چیزهایی که گاهی برایم تعریف کردی جالب است.»

گفتم: «همه آن‌ها را نوشته‌ام. حتی آن‌هایی را که با گوشت و پوستم لمس نکرده‌ام. آن قدر به آن‌ها فکر کرده‌ام و توی ذهنم نوشته‌ام و خط زده‌ام که شده‌اند مال خودم. فکر می‌کنم همه کارهای هنری یک هنرمند زندگی‌نامه اوست.»

گفت: «با این حال صاف و پوست‌کنده نوشتی که این زندگی من است، حتی قصه‌های مجید هم قسمت‌های خیالی‌اش بیشتر از واقعیت است. همیشه پشت آدم‌های داستان‌هایت پنهان شلدی و زیریرکی زندگی‌نامه نوشتی. این دفعه شجاعت و همت نشان بده، بیا میان میدان و بگو: این منم.»

گفتم: «می‌نویسم. شصت‌سالگی سن خوبی برای نوشتن زندگی‌نامه است. آن قدر جوان نیستم که بی‌تجربه باشم. پروبال غرور جوانی‌ام ریخته. یک خرده باد کله‌ام خوابیده. یک ذره واقع‌بین و عاقل شده‌ام. هنوز هم نیاز به خواننده شدن دارم. آن قدر هم پیر نشده‌ام که حافظه‌ام دستم را نگیرد، و ترس و احتیاط و تواضع بی‌جا چوب لای چرخم نمی‌گذارد که دست‌وبالم را ببندد. شصت‌سالگی سن خوبی است برای نوشتن زندگی‌نامه خودنوشت. نترس تا آن موقع می‌مانم. خواب دیده‌ام که می‌مانم.»

سنگ قبرها را نگاه کردیم و من رویشان را خواندم. حرف‌های زنده‌ها پشت سر مرده‌ها خواندنی بود. بعدها هر وقت زندگی‌نامه‌ای به دستم می‌رسید یا توی کتاب‌فروشی می‌دیدم، می‌گفتم و می‌خواندم. به پسر گفتم: «چیزی که این‌ها کم دارند، صداقت است و روراستی. بیشترشان دفاعیه است در برابر کارهایی که کرده یا نکرده‌اند. تعریف از خود و بدگفتن از دیگران؛ خصوصاً سیاسی‌هایش. نتیجه بیشترشان این است که: من خوب و مهربان و باهوش بودم، بقیه حسود و بدجنس بودند. اگر امکانات بود من بهتر از این‌ها می‌شدم. نان قرض دادن هم هست. خالص نیست. نان زمان و زمانه خوردن هم هست، به نرخ روز نوشتن. به قول کرمانی‌ها: «می‌زنم چهچه بلبل که خرم بگذرد از پل». این است که استقبال نمی‌شود و غالباً ماندنی نیستند.»

گفت: «چرا؟ آن طرف‌ها که زندگی‌نامه‌ها پرطرفدار است و بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی‌شان را می‌شود از راه همین زندگی‌نامه‌ها به دست آورد. چرا ما این طور نیستیم؟»

گفتم: «در اینجا هم می‌شود چنین زندگی‌نامه‌هایی پیدا کرد، ولی تعدادش خیلی خیلی کم است. جامعه ما خیلی چیزها را بر نمی‌تابد. ما با سیلی صورتان را سرخ می‌کنیم که آبروداری کنیم و دشمن‌شاد نشویم. ما اندرونی و بیرونی و حیاط خلوت داریم. دالان و پستو و صندوق‌خانه داریم. سفره دل‌مان را پهن نمی‌کنیم. پول و عقیده سیاسی و مذهبی و نقشه زندگی‌مان را در صندوقچه سینه‌مان پنهان می‌کنیم که نقطه ضعف دست هرکس ندهیم. نکند که روزگاری دست کسی بیفتد و پدرمان را در بیاورد؛ جوری که نتوانیم سرمان را بلند کنیم. اینجا زبان سر سبز می‌دهد بر باد. از زمین و زمان می‌ترسیم و با همه رودبایستی داریم. بیشتر شبیه پیازیم تا نارنگی بی‌حیا که زود لخت می‌شود. هر پوستی که ازمان بکنند پوست دیگر داریم. هیچ‌کس تا آخر عمر به مغزمان دسترسی پیدا نمی‌کند. این خصلت‌ها در ما عمیق شده، از سال‌های بسیار دور تا امروز. شخصیت سیاسی و اجتماعی‌مان با ترس و پنهان‌کاری گره خورده. ما سنت اعتراف نداریم. به خوب و بدش کاری ندارم. اینکه حرفمان را بزینم و راحت بخوابیم، کار ما نیست. این است که زندگی‌نامه‌های ما آنی نیست که باید باشد و به دل بنشیند و از آن استقبال شود. اگر هم شده فصلی بوده و موقتی. نتوانسته در برابر زمان و زمانه‌های دیگر جان‌سخت باشد، چند نسل خواننده شود، پا بگیرد و بماند، به‌عنوان تاریخ، سند معتبر.»

گفت: «تند رفتی. باین حال بنویس. بگذار از جایی شروع شود که دوست داری، باشد. تو بنویس ببینم چطور می‌نویسی.»

گفتم: «خط قرمزها!»

گفت: «تا آنجایی که می‌شود، برو.»

گفتم: «این از آن حرف‌هاست که سرخ‌هایش دست من نیست. گرچه هرگز سیاسی نبوده‌ام و نیستم.»

شصت‌ساله شدم، نوشتم. شد «داستان زندگی» یا «زندگی‌نامه داستانی». شصت‌ساله شده‌بودم که نوشتم: شما که غریبه نیستند، ناشر هم خیلی هم‌فکری و همراهی کرد. شما که غریبه نیستند! کلام را که قاضی کردم و سر سفره انصاف که نشستم، دیدم پسر من راست می‌گفت. تند رفته‌بودم و قضاوت‌م در خصوص زندگی‌نامه‌های ایرانی تند بود. گفتنش آسان بود و عمل کردنش سخت.

هشت ساعت گذشته، ساعت ۱/۵ بعد از نیمه‌شب است. ساعت ۵/۵ عصر قرص‌های معده‌ام را خورده‌ام. حالا می‌شود قرص‌ها را خورد و خوابید. درست سر ساعت. دکتر درخشان گفت باید سر ساعت بخوری. یک بار می‌خواستم بروم شیراز، توی فرودگاه پادم افتاد که کپسول‌هایم را نیاورده‌ام. موقع خوردنش بود. رفتم آب خوردم، آب بدون کپسول. تا رفتم و آمدم سر هر هشت ساعت فقط آب خوردم، خوب شدم. بروم آشپزخانه یواش آب بیاورم، همه خوابیده‌اند. یک بار می‌خواستم داستانی بنویسم از پسری که رفته‌بود آب بیاورد برای پدر بیمارشان تا قرص‌هایش را بخورد. کمی دیر کرده‌بود و پدر مرده‌بود. مرده هم که دیگر قرص نمی‌خورد، حالا پسر هر روز با یک پارچ آب و لیوان می‌رفت بالای قبر پدرش و عذرخواهی می‌کرد. بچه خوبی بود. بچه‌های حالایی خیلی از این کارها نمی‌کنند. عجب یادداشتی شد، از قبر شروع شد و به قبر هم تمام شد. بروم برای خودم آب بیاورم، دارد از وقتش می‌گذرد. اصلاً می‌روم توی آشپزخانه قرص‌هایم را می‌خورم. با زندگی به هر صورت باید کنار آمد. شما که غریبه نیستند.

این مطلب در روزنامه «اعتماد ملی»، ش ۸۹۹-۸۸۲/۱۱ با عنوان «باید با زندگی کنار آمد»، در خصوص زندگی‌نامه‌های ایرانی به چاپ رسیده‌است.

## بازدید رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی از گروه دانشنامه تحقیقات ادبی

جعفر شجاع کیهانی

و جامع همه اطلاعات مهم مربوط به زبان و ادب فارسی به جامعه فرهنگی کشور عرضه کند. در این جلسه، به پیشنهاد دکتر حداد عادل، مقرر شد ترتیبی اتخاذ شود که از مدیران گروه‌های آموزشی زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌ها برای شرکت در همایش یک‌روزه فرهنگستان دعوت به عمل آید. ایشان این همایش را برای آشنایی بیشتر و بهتر اهل تحقیق در ادب فارسی، با فعالیت‌های فرهنگستان، ضروری دانست. دکتر حداد در پایان دیدار خود از گروه دانشنامه با همکاران دانشنامه ملاقات و درباره مسئولیت و وظایفشان گفت‌وگو کرد.

دانشنامه زبان و ادب فارسی هم‌اکنون در مراحل پایانی و تکمیل جلد سوم است. این جلد شامل مقالات حروف «خ» تا پایان حرف «س» است. امید است این جلد در سال جاری به دست دستداران زبان و ادب فارسی برسد.

دانشنامه، سیاست‌گذاری و قدردانی نموده، اظهار امیدواری کرد که گروه بتواند کیفیت علمی دانشنامه را، چنان‌که درخور شأن والای فرهنگستان است، تا پایان حفظ کند. وی همچنین تحقیق در متون و تصحیح انتقادی نسخه‌های کهن را از وظایف عمده فرهنگستان برشمرد. استاد سعادت روند انتشار دانشنامه را، به‌صورت هر دو سال یک بار، دارای نظامی منطقی دانست که ضمن رعایت سرعت، دقت نیز در آن رعایت می‌شود. استاد سعادت دانشنامه زبان و ادب فارسی را که در شش جلد به چاپ خواهد رسید، دانشنامه‌ای «مختصر» خواند و آرزو کرد که فرهنگستان پس از اتمام این دانشنامه بتواند روزی دانشنامه‌ای مفصل

دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صبح روز سه‌شنبه، نوزدهم خردادماه، به‌همراه دکتر محمدرضا نصیری، دبیر محترم فرهنگستان، از گروه دانشنامه تحقیقات ادبی دیدار کردند. در این دیدار، دکتر حداد ابتدا در ملاقات با استاد اسماعیل سعادت، مدیر گروه دانشنامه، ضمن تجلیل از مقام استاد و بیان این مطلب که فرهنگستان به وجود ایشان در مدیریت گروه و سرپرستی دانشنامه زبان و ادب فارسی افتخار می‌کند، حمایت کامل خود را از دانشنامه اعلام کرد و دانشنامه را دستاورد ماندنی فرهنگستان دانست. استاد سعادت نیز از توجه ریاست و دبیر محترم فرهنگستان، به‌ویژه به گروه

## مراسم جشن استقبال به افتخار دکتر حدّاد عادل، در مقتدره قومی زبان

به نقل از: مجله اخبار اردو



به افتخار دانشمند برجسته ایران، اقبال‌شناس و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر غلامعلی حدّاد عادل، مراسم استقبالی به اهتمام مقتدره قومی زبان ترتیب داده شد.

دکتر غلامعلی حدّاد عادل، طی سخنانی در این جشن اظهار داشت که مسلمانان شبه‌قاره، زبان اردو را، به‌منظور شناخت خود، متعلق به خویش می‌دانند. نباید این زبان را فراموش کرد.

وی در بخشی از سخنان خود گفت: اگر شصت سال پیش فلسطین از دست رفت همان شصت سال پیش پاکستان به وجود آمد. چیزی که در میان دو کشور برادر ایران و پاکستان حائز اهمیت است شخصیت اقبال است.

دکتر غلامعلی حدّاد عادل با بیان اینکه از نظر وی ظهور علامه اقبال کمتر از معجزه نیست، افزود: ما افتخار می‌کنیم که رهبران، آیت‌الله خامنه‌ای، شفته علامه اقبال هستند. باید به پاکستانی‌ها تبریک گفت که در میان آن‌ها فرزندی همچون علامه اقبال به دنیا آمده‌است.

همچنین در این مراسم پروفیسور فتح‌محمد ملک، رئیس دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد، در سخنانی گفت: پاکستان و ایران دو همسایه بسیار نزدیک و برادر در میان ملل اسلامی هستند. این دو، علاوه بر فرهنگ و تمدن و تاریخ و مذهب، به‌وسیله رشته‌های ناگسستنی زبانی مشترک با یکدیگر پیوند خورده‌اند. منابع علمی آن‌ها نیز یکسان است و به همین دلیل این دو کشور دوست هر قدر به این میراث مشترک و عزت بی‌بند کم است.

وی در ادامه اضافه کرد: مردم دو کشور به اقبال بی‌نهایت علاقه‌مندند و از بابت این قدر مشترک می‌توان گفت که ما «اقبالی» هستیم.

پروفیسور دکتر محمود الحسن بت، رئیس دانشگاه علامه اقبال، پیشنهاد دکتر حدّاد عادل را، مبنی بر اینکه در آینده سفیرانی که از ایران به پاکستان فرستاده خواهند شد باید اقبال‌شناس باشند، به سمع حاضران رسانید. وی گفت این احساسات دکتر حدّاد عادل نشان می‌دهد که ایشان چقدر نسبت به علامه اقبال قدردار هستند.

همان خصوصی این مراسم، دکتر انوار حسین صدیقی، یکی دیگر از رؤسای دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد، طی سخنانی گفت: دکتر حدّاد عادل نه فقط در ایران به‌عنوان یک دانشمند شناخته شده‌است، بلکه فیلسوف و زبان‌شناس بزرگ این سرزمین نیز به شمار می‌آید.

افتخار عارف، رئیس مقتدره قومی زبان، در سخنانی که برای ادای استقبال گفت اظهار داشت: روابط ایران و پاکستان همیشه ریشه در مسائل دینی، فرهنگی و تاریخی داشته و در آینده نیز این دو کشور همدم و هم‌قدم خواهند بود. آقای افتخار عارف بر تحکیم روابط زبانی میان این دو کشور تأکید کرد.

در این مراسم منتخبی از کتب چاپی از طرف مقتدره قومی زبان، اقبال آکادمی، قائد اعظم آکادمی، اداره ثقافت اسلامی، مجلس ترقی ادب، مغربی پاکستان، اردو آکادمی و نیشنل بک فاونڈیشن، به کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران اهدا شد.

همچنین دکتر حدّاد عادل نیز مجموعه کاملی را از آثار چاپ‌شده در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به کتابخانه مقتدره اهدا کرد. در این مراسم ادیبان برجسته اسلام‌آباد و راولپندی دسته‌گل‌هایی به دکتر حدّاد عادل اهدا کردند. مدیریت این مراسم بر عهده دکتر انجم حمید بود.

## ما برای وصل کردن آمدیم

پیشنهاد تأسیس فرهنگستان زبان مشترک ایران و تاجیکستان

شاه‌منصور شاه‌میرزایی

علی‌اصغر شعر دوست، سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، طی سخنرانی‌ای در شهر دوشنبه، ضمن کم‌رنگ خواندن همکاری‌های علمی میان آکادمی علوم تاجیکستان و فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران، بر تأسیس فرهنگستان مشترک این دو کشور تأکید کرد.

اگرچه پیشنهاد شعر دوست قبلاً نیز در محافل ادبی و فرهنگی مطرح شده بود، در مجموع طرح این پیشنهاد اقدامی شایسته و درخور توجه است. بدیهی است تا کنون همکاری‌های علمی دو کشور چندان مطلوب نبوده، کار ماندگار و برجسته‌ای نیز در این زمینه انجام نشده‌است. از این رو، اگر فرهنگستان مذکور تأسیس شود، امکان فعالیت در زمینه‌های متعدد و تکمیل طرح‌های ناتمام فراهم خواهد شد.

نخست آنکه هر چند در زمینه تحکیم و تعمیق روابط علمی میان فرهنگستان زبان و ادب فارسی و آکادمی علوم تاجیکستان سخنان زیادی میان مقامات فرهنگی و علمی دو کشور رد و بدل شده‌است، این مذاکرات هیچ‌گاه در سطح کلان نبوده، نتیجه چندان نیز دربر نداشته‌است. آنچه در وهله اول حائز اهمیت است گسترش زبان فارسی در کشور، منطقه و جهان است که زمینه آن فراهم بوده، تنها با تلاشی اندک می‌توان به نتیجه مطلوب دست یافت. در زمینه واژه‌سازی، واژه‌گزینی، دستور زبان و خط فارسی، می‌توان طرح‌های مشترک و مفیدی را اجرا کرد. فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این زمینه به نتایج قابل توجهی دست یافته‌است؛ از جمله آنکه اخیراً دکتر حدّاد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اعلام کرد برای بیش از هجده‌هزار واژه بیگانه معادل‌سازی فارسی صورت گرفته‌است که این خود موفقیت چشمگیری است. علاوه بر این، چاپ فرهنگ‌املائی خط فارسی به سیریلیک تاجیکی، به کوشش آقای حسن قریبی، رئیس روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نیز گامی ارزنده در این عرصه محسوب می‌شود.

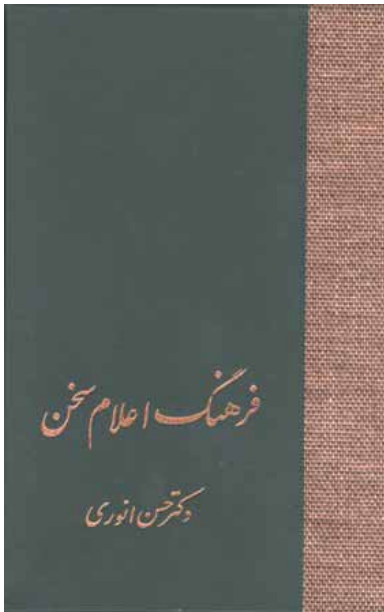
ثانیاً، کارگروه اصطلاحات تاجیکستان، از زمان تأسیس تا کنون، هیچ‌گونه اقدام جدی و مؤثری، جز ساخت چند واژه و دستورالعمل، انجام نداده و فعالیت کم‌رنگی داشته‌است که به همین دلیل بارها از سوی نشریه‌های کشور نیز مورد انتقاد قرار گرفته‌است. بنابراین، در صورت تأسیس فرهنگستان مشترک فارسی، مشکلات عمده‌ای نظیر واژه‌سازی، واژه‌گزینی، ساخت مرادفات و معادلات فارسی، مفاهیم و واژگان، برطرف خواهد شد و در صورتی که افغانستان نیز به فرهنگستان مذکور بپیوندد، می‌توان به شکل‌گیری زبان واحد مشترک فارسی، که در سه کشور فارسی‌زبان و در مجموع برای کل فارسی‌زبانان قابل فهم و درک باشد، امیدوار بود.

تأسیس شبکه تلویزیونی مشترک فارسی، انتشار نشریه مشترک فارسی با دو خط فارسی و سیریلیک تاجیکی، که به‌کندی پیش می‌رود، نباید برای فرهنگستان الگو قرار بگیرد، بلکه فرهنگستان مذکور باید به‌عنوان منبر عقل و اندیشه و کانون خرد پیشرو، برای شبکه تلویزیونی و نشریه مذکور مایه الهام و رهنمودهای عالمانه باشد. چاپ، نشر و ترجمه ده‌ها اثر برجسته و ارزنده، برگزاری همایش‌های مشترک با شرکت پژوهشگران و علمای جهان، تأسیس مدرسه‌ها و دانشگاه‌های مشترک، و راه‌اندازی سامانه‌های فعال، بایستی از اهداف مهم و سازنده این نهاد باشد؛ چراکه از این طریق می‌توان سایر نهادها، کانون‌ها و مراکز علمی و فرهنگی را تحت پوشش قرار داد. بر این اساس، بی‌شک تأسیس فرهنگستان مذکور، در فضای فرهنگی سه کشور فارسی‌زبان، رویداد مهم و منحصربه‌فردی خواهد بود.

### ... از دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره

در خردادماه سال جاری، معاون گروه دانشنامه شبه‌قاره، آقای علاءالدینی، و آقای مرتضی موسوی، سردبیر مجله دانش از پاکستان، با یکدیگر ملاقات کردند. با استاد موسوی - که برای شرکت در همایش بین‌المللی خلیج فارس به ایران آمده بود - در محل اقامت ایشان، طی دو ساعت درباره سفارش مقاله و جذب مؤلفان فارسی‌زبان در پاکستان مذاکره شد و با راهنمایی وی، اسامی استادانی که به فعالیت در زمینه دانشنامه‌نویسی تمایلی دارند بررسی و مقرر شد در طی نامه‌ای از آنان تقاضای همکاری شود. همچنین قرار شد برای آشنایی آنان، شیوه‌نامه و نمونه مقاله و دو مدخل برای تألیف ارسال گردد.

همچنین، ملاقاتی نیز از سوی مدیر دانشنامه شبه‌قاره، جناب آقای دکتر مؤذنی، با آقای دکتر چندرشیکهر، رئیس گروه ادبیات فارسی دانشگاه دهلی، انجام شد. آقای دکتر چندرشیکهر که مسئولیت اجرایی از سوی دانشنامه برای جذب مؤلفان و سفارش مقالات دانشنامه در هند را دارد، از وضعیت سفارش مقاله گزارشی ارائه داد و با بررسی‌های به‌عمل‌آمده مقرر شد مقالات سفارشی جلد چهارم دانشنامه را در طی شش ماه آینده به دفتر دانشنامه ارسال نماید.



مجموعه تجارب ذی‌قیمت فرهنگ‌نویسان پیشین، همراه با تازه‌ترین یافته‌های علمی در زمینه تدوین فرهنگ‌ها لحاظ شود؛ به گونه‌ای که جامعیت و صحت فرهنگ در چارچوب تعیین‌شده محرز باشد و هدف‌های مورد نظر تحقق یابد. کتاب حاضر، شامل شرح احوال اجمالی سرآمدان دانش، هنر، فن و سیاست است و دنباله فرهنگ هشت‌جلدی سخن به شمار می‌رود. معیار انتخاب اعلام در این فرهنگ فقط اشتهار بوده‌است؛ بدین معنی که معیار اخلاقی و ملاحظات ذوقی و سلیقه‌ای را در نظر نگرفته‌اند. از نظر تاریخی متتبی تاریخ در این کتاب ۱۳۸۵ ش. قرار داده شده‌است و کسانی شرح حالشان در این فرهنگ آمده‌است که تا این تاریخ در گذشته‌اند و از آوردن شرح حال زندگان خودداری شده‌است. تألیف این اثر سه‌جلدی از اسفندماه ۱۳۸۴ شروع شده و در خردادماه ۱۳۷۸ به پایان رسیده‌است. فرهنگ اعلام سخن، به سرپرستی دکتر حسن انوری، عضو محترم پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در سه مجلد و ۲۵۰۶ صفحه، با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه، از سوی انتشارات سخن منتشر شده‌است.

## :: فرهنگ اعلام سخن

حسن انوری

با انتشار فرهنگ اعلام سخن، چهاردهمین عنوان در «مجموعه فرهنگ‌های سخن» به جامعه فرهنگ و نشر عرضه شده‌است. پیش‌تر فرهنگ بزرگ سخن (در هشت مجلد)، فرهنگ فشرده سخن (در دو مجلد)، فرهنگ روز سخن، فرهنگ کوچک سخن، فرهنگ کنایات سخن (در دو مجلد)، فرهنگ کودکان سخن، فرهنگ دانش‌آموز سخن، فرهنگ نام سخن، فرهنگ امثال سخن (در دو مجلد)، فرهنگ جیبی سخن، فرهنگ درست‌نویسی سخن، فرهنگ نوجوان سخن، و فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن در این مجموعه منتشر شده‌بود و فرهنگ حاضر در ادامه تحقق طرح جامع و همه‌جانبه نشر فرهنگ‌های عمومی و تخصصی سخن فراهم آمده‌است.

هریک از فرهنگ‌های یادشده، با در نظر گرفتن مخاطبان خاصی که در رده‌های گوناگون از دانش و آگاهی علمی و فرهنگی قرار دارند و اشتغالات ذهنی و تحصیلی آنان متنوع است، تألیف شده و در این راه سعی شده‌است

## :: آثار علوی

اسماعیل سعادت

رساله آثار علوی از گروه رساله‌های ارسطو در علم طبیعت است. نخستین آن‌ها رساله فیزیک است که ارسطو در آن از اصول کلی تغییر، نامتناهی، مکان، خلأ و زمان سخن می‌گوید. پس از آن رساله در آسمان است که موضوع آن نشان دادن تمایز اساسی میان جهان فوق قمر و جهان تحت قمر است. در پی آن رساله در کون و فساد می‌آید که ادامه بررسی اجسام تحت قمر و خصوصیات اساسی آن‌ها، یعنی کون و فساد است و موضوع آن عمدتاً بررسی عناصر چهارگانه، ماهیت آن‌ها و تبدل آن‌ها به یکدیگر است. در پایان نیز رساله حاضر، یعنی آثار علوی است که موضوع آن به‌طور کلی ارائه نظریه بدیع وجود در بخار خشک و تر است که ارسطو به یاری آن پدیده‌هایی را که در جو و خشکی و دریا روی می‌دهد، مانند شهاب ثاقب، ستارگان دنباله‌دار، راه شیری، باران، برف، تگرگ، باد، زمین‌لرزه، رعد و برق و صاعقه و رنگین‌کمان، هاله، رودها و دریاها، سنگ‌ها و فلزات، تبیین می‌کند.

ارسطو بر آن است که گویی جریانسی دائمی از مرکز زمین به‌سوی بالاترین نقاط جو حرکت می‌کند و دوباره به آن بازمی‌گردد. رساله آثار علوی که تا آستانه رنسانس متن اساسی این علم محسوب می‌شد، از جهت تاریخی اهمیت بسزایی دارد.

استاد اسماعیل سعادت ترجمه این رساله را از روی یک ترجمه انگلیسی و سه ترجمه فرانسوی، و با توجه به



ترجمه عربی و تلخیص عربی آن، به فارسی برگردانده‌است. ترجمه‌های فرانسوی یکی به قلم ژ. تریکو (J. Tricot)، دیگری به قلم پیر لویی (Pierre Louis) و سه‌دیگر به قلم ژوسلن گروازار (Jocelyn Groisard) بوده‌است. ترجمه انگلیسی نیز به قلم ا. و. ویستر (E. W. Webster) صورت گرفته‌است که در کلیات آثار ارسطو، به سرپرستی جاناتان بارتز چاپ شده‌است.

و اما ترجمه عربی این رساله به قلم یحیی بن البطریق است. این ترجمه را کازیمیر پترایتس (Casimir Petraitis)، دکتر فلسفه از دانشگاه آکسفورد، با مقابله با سه نسخه یونانی، متعلق به کتابخانه‌های آکسفورد، استانبول و واتیکان، تصحیح و در سال ۱۹۶۸ م، همراه با حواشی بسیار که در مواردی کاستی‌ها و نارسایی‌های ترجمه را نشان می‌دهد، در «دارالمشرق» بیروت چاپ کرده‌است.

در مجموعه حاضر، پس از یادداشت مترجم، دو مقدمه از دو مترجم فرانسوی دیده می‌شود و در پی آن‌ها، کتاب‌های اول تا چهارم رساله آثار علوی آمده و سپس یادداشت‌های مربوط به این کتاب‌ها درج شده‌است. در پایان و بعد از یادداشت‌ها، دو واژه‌نامه «فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی» و «فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی» آمده و کتابنامه‌ای نیز پس از آن ترتیب داده شده‌است.

آثار علوی، نوشته ارسطو و با ترجمه استاد اسماعیل سعادت، عضو محترم پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که در ۳۴۹ (دوازده + ۳۳۷) صفحه و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، به بهای ۷۵۰۰۰ ریال از سوی انتشارات هرمس منتشر شده‌است.

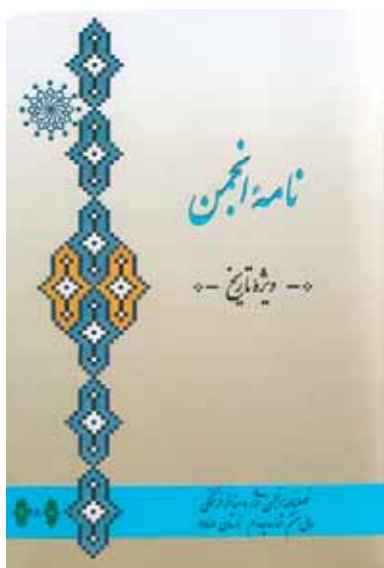
## :: بیست‌وهشتمین شماره نامه انجمن

بیست‌وهشتمین شماره فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ویژه تاریخ، منتشر شد. در این شماره از نامه انجمن نیز همانند شماره‌های پیشین، بخش اصلی به مقالات رسیده تعلق دارد. در قسمتی دیگر، بخش معرفی کتاب و پس از آن گزارش بزرگداشت زنده‌یاد محمد پروین گنابادی و مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر آمده‌است. نمایه سال هفتم نامه انجمن (۱۳۸۶) نیز بخش پایانی این شماره از نامه انجمن است.

در بخش مقالات این شماره عناوین ذیل دیده می‌شود: «طرح مقدماتی گردآوری فراگیر گویش‌های ایران»، حسن حبیبی؛ «انجمن‌های زنان در دوره نخستین انقلاب مشروطه»، فاروق خرابی؛ «تأثیر حضور کمپانی‌های خارجی در توسعه

شهری بندر عباسی»، محمدباقر وثوقی؛ «شاخص‌های تاریخ‌نگاری محلی در ایران»، فاطمه رستمی؛ «تحول نظامی قبایل ماد در فرایند تشکیل دولت»، مرتضی دهقان‌نژاد؛ «سهرورد و سجاس»، عباس قدیمی قیداری؛ «عدل ختایی»، محسن جعفری‌مذهب؛ «نگاهی تطبیقی به پیشینه شش مدرسه تاریخی ایران (با رویکردی به نقد تدریس الفبا در نظام آموزشی سنتی)»، محمدامین ناصح؛ «اعتمادالسلطنه و تأثیر او در تاریخ معاصر ایران»، حکیمه دسترنجی؛ «اردشیر پاپکان و خلیج فارس»، سید صاحب برزین؛ «جلوه‌هایی از هنر معماری هند (شرح مقابر هند)»، محمدرضا نصیری؛ «آیین بودایی در ایران و ارتباط آن با اسلام»، و. و. بارتلد، ترجمه لیلا عسگری.

بیست‌وهشتمین شماره نامه انجمن به مدیرمسئولی دکتر محمدرضا نصیری، دبیر محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و به بهای ۱۰۰۰۰ ریال منتشر شده‌است.





## دیوان حافظ، بر اساس نسخه‌های خطی سده نهم

سليم نيساری

یکی از ویژگی‌های دیوان حافظ این است که در فاصله چهارصد سال پس از درگذشت حافظ (۷۹۲ ق) تا زمان رواج چاپ، که کتاب‌ها از طریق دست‌نویس تکثیر می‌شد، سینه شعر حافظ بیش از هر دیوان دیگر استنساخ شده‌است. ویژگی دیگر دیوان حافظ افزونی اختلاف کلمات و عبارات در ضبط آن دست‌نویس‌هاست. هیچ‌یک از کاتبان دیوان حافظ در کنار رقم و تاریخ دست‌نویس خود این آگاهی را نیفزوده‌اند که اشعار را از متن کدام نسخه رونویسی کرده‌اند.

در کار تصحیح دیوان حافظ تردیدی نیست که برای تعیین نسخه‌های اساس باید حد و مرزی در نظر گرفته شود و شرایط استفاده از آن نسخه معلوم گردد. استناد به «نسخ خطی سده نهم هجری» شرط اصلی تعیین نسخه‌های اساس است.

با توجه به این نکته و بر این اساس، پیش از این دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ توسط دکتر سلیم نیساری تهیه شد و اکنون مندرجات پنجاه نسخه خطی متعلق به سده نهم هجری در اختیار همگان قرار دارد؛ از این رو، در تدوین اشعار حافظ نقل همه اختلاف‌های ضبط پنجاه نسخه خطی سده نهم در ذیل هر غزل نه عملی است و نه ضرورت دارد.

در مجموعه حاضر، ترتیب ابیات غزل‌های مندرج در بخش اول دیوان غالباً همان است که در دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ با توجه به ترتیب ابیات آن غزل در اکثر نسخه‌های خطی نقل شده‌است. بعضی از غزل‌ها در تعدادی از نسخه بی‌بی افزوده دارد که انشاد متفاوتی از مضمون یکی از ابیات آن غزل است و گاهی قافیه هر دو بیت مشترک است. این قبیل ابیات در متن غزل داخل نشده و در دفتر دگرسانی‌ها مشخص می‌گردد که هر بیت خارج از متن در کدام نسخه‌ها و نخستین بار در کدام نسخه کتابت شده‌است.

در این مجموعه ابتدا فهرست ۵۱ نسخه خطی سده نهم و پس از آن پیشگفتار مصحح آمده‌است. پیش از آغاز بخش اول دیوان، مقدمه جامع دیوان حافظ (محمد گندام) درج شده و سپس غزل‌ها (از شماره ۱ تا ۴۲۴) آمده‌است. بخش دوم شامل پیوست‌های غزل‌ها (غزلواره‌ها، تشبیب و تغزل، از شماره ۴۲۵ تا ۴۷۴) است و پس از آن نیز بخش‌های ترکیب‌بند، قصیده‌ها (ق ۱ تا ۱۴)، مثنوی‌ها، قطعات و رباعیات آمده‌است. در پایان نیز فهرست الفبایی غزل‌ها و قصیده‌ها دیده می‌شود.

ویرایش دوم دیوان حافظ، بر اساس نسخه‌های خطی سده نهم، به کوشش دکتر سلیم نیساری، عضو محترم پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که در ۵۸۴ صفحه و با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه، به بهای ۱۲۵۰۰۰ ریال از سوی انتشارات سخن منتشر شده‌است.



## نظرهای شما

من می‌خواهم از فرهنگستان شکایت کنم! من خودم در مدرسه، علی‌رغم تمسخر دوستان، کوشیده‌ام و می‌کوشم تا واژه‌ها، گفتار و نوشتار فارسی را رعایت کنم؛ یعنی واژه فارسی را به کار برم و دوستانم را نیز به این کار تشویق کنم، باینکه خیلی وقت‌ها مرا به استهزا می‌گیرند. همچنین هنگام گفت‌وگو با ایشان دستور فارسی را مد نظر دارم. حالا می‌بینم که گاهی خود فرهنگستان سهل‌انگاری‌های زیادی دارد؛ مثلاً در کار واژه‌گزینی، لغات نافرمانی فراوان است و نیز فرهنگستان گاهی در میان مطالبش، از هم‌ارز غیرفارسی واژه‌ها استفاده می‌کند و برای خیلی از واژه‌ها هم که اصلاً معادل ندارد. در کتاب‌های درسی واژه‌های فرنگی فراوان وجود دارد و در روزنامه‌ها، مجلات و دهکده جهانی، در بخش‌های فارسی، اصلاً کلمات فارسی به کار نمی‌رود. خواهش می‌کنم که این کوتاهی‌ها و نقایص را برطرف کنید و سعی کنید بیشتر به ترویج مصوبات خود بپردازید.

بی‌نام

ویران کردن فرهنگ به‌راحتی انجام می‌گیرد، ولی ساختن آن با سختی است. دخترتم در کلاس اول ابتدایی درس می‌خواند. حالا که امکان خواندن برایش ایجاد شده با **نظام جدید** مدام در تناقض است و برایش این سؤال به وجود می‌آید که چرا تابلوهایی با غلط املائی بر در و دیوار شهر نصب می‌شود. برای مثال: **پارچه** نوری (فروشگاه)، **پارچه** نوری! جواب ما: سواد و دانش شما جدید است. به نظر شما بستر آموزشی ما نیاز به اصلاحات ندارد؟ یا آموخته‌های نو و تازه با اطلاعات قدیمی به‌مرور رنگ نمی‌بازند؟

معصومه مهرانی

شاید وقت آن رسیده‌باشد که سازمانی نظارتی و ارشادی بر رعایت دستور خط فارسی در کتاب‌هایی که توسط ناشران چاپ و منتشر می‌شود نظارت نماید و از بدعت‌گذاری‌های لجام‌گسیخته در خط فارسی جلوگیری کند. کوروش پاک‌فر

در ابتدا خیلی متأسفم که شما از واژه «پست الکترونیکی» استفاده کرده‌اید؛ درحالی‌که معادل‌های دیگری دارد. در ادامه عرضم این است که چرا خوب تحقیق و پرسش نمی‌کنید تا این قدر زودبه‌زود معادل‌ها را تغییر ندهید. دیگر اینکه برای بعضی از واژه‌ها دو یا سه معادل وجود دارد؛ مثلاً همین «email» که هم «رایانشانی» و هم «پیام‌نگار» را دیده‌ام. در پایان، ملت‌مانه از شما می‌خواهم خودتان لاقول این واژه‌ها را مراعات کنید. بنده مهندسی مکانیک خوانده‌ام و با تمام شمات‌ها و تمسخرها - که حتماً از آن‌ها بی‌خبر نیستید - با جدیت در پی اشاعه واژگان فارسی‌ام، اما به سبب بعضی نقص‌های فرهنگستان عزیز، زبانم در دفاع کوتاه است و شمشیر تبلیغم کند. خداوند به تمام دست‌اندرکاران خدمت به فرهنگ توفیق روزافزون عنایت بفرماید. ان‌شاء‌الله.

مهدی فرخ‌ران

در قسمت دستور خط فارسی وبگاه فرهنگستان فایل‌های مفیدی قرار داده شده‌است. اما چرا نشان فرهنگستان و سربرگ آن که مؤید تأیید فرهنگستان بر موارد مندرج بر فایل‌ها باشد، از قلم افتاده‌است. لطفاً برای بیشتر قابل استناد بودن مدارک، در پس‌زمینه و سربرگ صفحات تجدید نظر نمایید.

سارا شکیبیا

خسته نباشید. بهتر می‌شد اگر در هر مدخل از واژگان مصوب فرهنگستان، تاریخ تصویب واژه و اطلاعات ریشه‌شناختی واژه‌ها، برای استفاده کاربران متخصص، درج می‌شد. متشکرم.

مهدی صفایی قلاتی

با سلام، از شما استادان و سروران بزرگ درخواست می‌کنم با گروه فرهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جلسه‌ای گذاشته، در مورد اهمیت زبان و ادب پارسی با آن‌ها تبادل نظر کنید. چرا چندین سال است رشته زبان و ادبیات فارسی رشته غیرمرتبط شغلی اعلام شده؛ آن‌هم در دستگاه‌هایی که سروکارشان با اسناد و کتاب و فرهنگ است. به‌این ترتیب لطمه زیادی به فرهنگ این مرزوبوم وارد شده و خواهد شد. فارغ‌التحصیلان این رشته بلا تکلیف و مغبون و مظلوم و سرخورده شده‌اند و به‌زودی این رشته از سبد انتخابی رشته‌های ورودی به دانشگاه‌ها حذف خواهد شد. آیندگان قضاوت خواهند کرد. با سپاس.

ابراهیم چناری

درد بر شما. شوربختانه باید فرهنگستان زبان و ادب پارسی را فرهنگستان زبان و ادب عربی نامید؛ چون بیشینه واژگانی که فرهنگستان پدید می‌آورد عربی است. به‌جای **دیجیتال** واژه **رقمی** را جایگزین کرده‌اند که صد در صد عربی است و این چنین واژگانی فراوان‌اند. به‌جای همزه میانسی (۹) حرف «ی» جایگزین شده، ولی در همه جا همزه می‌گذارند؛ مانند «اشتراک **نامه**ی فرهنگستان» که آن را این چنین نوشته‌اند: «اشتراک **نامه** فرهنگستان!» واژگانی که برابری می‌شود تنها در تارنمای فرهنگستان دیده می‌شود و نه جایی در رسانه‌های گروهی دارد، نه در آموزش و پرورش و نامه‌ها و دستوره‌های اداری. امیدوارم فرهنگستان واژگان سره پارسی پدید بیاورد و در آموزش و گسترش آن بکوشد.

علیرضا پارسی‌پور

برای رفع اشتباهات دستوری و گفتاری در زبان فارسی و نیز آگاهی عمومی افراد جامعه از واژه‌های معادل جدید، بهتر نیست یک برنامه دائمی از طریق رسانه ملی ساخته شود تا مردم از آن‌ها آگاهی یابند و از شبکه‌های معتبر کشور پخش شود؟

علی

در شگفتم که چرا فرهنگستان به دست کسانی اداره می‌شود که باینکه خود از سران کشورند، هیچ کوششی در الزامی کردن واژه‌های خود نمی‌کنند؟! به‌آسانی می‌توانستند هر رسانه‌ای را که واژه بیگانه‌ای را به کار می‌برد جریمه کرده، آن را به حساب فرهنگستان واریز کنند. با این شیوه، به کار نبردن واژه‌های فرهنگستان، دست‌کم سود مادی برای فرهنگستان می‌داشت! وحید زینلی



## سی‌امین شماره نامه انجمن

سی‌امین شماره فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ویژه ادبیات، منتشر شد. در این شماره از نامه انجمن نیز همانند شماره‌های پیشین، بخش اصلی به مقالات رسیده تعلق دارد و پس از آن اعلام بزرگداشت مرحوم دکتر محمد معین و دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد آمده‌است.

# نظر سنجی

## شماره ۴



بازنگری نهایی دفترهای دوم تا چهارم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان در سال ۱۳۸۹ انجام خواهد شد. فرهنگستان، واژه‌های این مجموعه را به تدریج در همین بخش به آگاهی عموم می‌رساند و از تمامی متخصصان علمی و فنی و نویسندگان و مترجمان زبده و علاقه‌مندان به زبان فارسی دعوت می‌کند با به کار بردن این واژه‌ها و اظهار نظر در مورد آن‌ها، در پیشرفت و غنی‌سازی زبان فارسی مؤثر باشند.

در این صفحه و صفحه پشت، مجموعه‌ای شامل بیست واژه از مصوبات گروه واژه‌گزینی در سال ۱۳۸۴ آمده که در دفتر دوم فرهنگ واژه‌های مصوب نیز منتشر شده‌است. تمامی این واژه‌ها متعلق به حوزه پزشکی و اپتیک هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید برای اشراف بیشتر شما، مفاهیم هر مدخل با تعریف نیز همراه شده‌است. در ستون روبه‌روی هر مدخل گزینه‌های مربوط به سطح آگاهی و آشنایی و موافقت شما با این معادل مصوب آمده‌است. با تکمیل و ارسال این برگه ما را از نظر خود مطلع کنید.

بازنگری نهایی دفترهای دوم تا چهارم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان در سال ۱۳۸۹ انجام خواهد شد. فرهنگستان، واژه‌های این مجموعه را به تدریج در همین بخش به آگاهی عموم می‌رساند و از تمامی متخصصان علمی و فنی و نویسندگان و مترجمان زبده و علاقه‌مندان به زبان فارسی دعوت می‌کند با به کار بردن این واژه‌ها و اظهار نظر در مورد آن‌ها، در پیشرفت و غنی‌سازی زبان فارسی مؤثر باشند.

در این صفحه و صفحه پشت، مجموعه‌ای شامل بیست واژه از مصوبات گروه واژه‌گزینی در سال ۱۳۸۴ آمده که در دفتر دوم فرهنگ واژه‌های مصوب نیز منتشر شده‌است. تمامی این واژه‌ها متعلق به حوزه پزشکی و اپتیک هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید برای اشراف بیشتر شما، مفاهیم هر مدخل با تعریف نیز همراه شده‌است. در ستون روبه‌روی هر مدخل گزینه‌های مربوط به سطح آگاهی و آشنایی و موافقت شما با این معادل مصوب آمده‌است. با تکمیل و ارسال این برگه ما را از نظر خود مطلع کنید.



واژه بیگانه	معادل فارسی	تعریف	نظر شما
carbuncle	کفگیرک	عفونتی به صورت اجتماع تعداد زیادی کورک با گذرگاه‌های متعدد مرتبط با هم.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
carpal ۱	مجرای مچ دستی	فضای بین استخوان‌های مچ دست و بافت همبند روی وترهای تاکنده.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
carpal ۲	مچ دستی	مربوط به مچ دست یا واقع در آن	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
case management	سامان‌بخشی بیمار	مدیریت و هماهنگی همه خدمات و امکانات لازم برای مراقبت از بیمار.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
cheilitis	لب‌آماس	التهاب لب‌ها بر اثر عوامل گوناگون	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
cholangiography	زردابراه‌نگاری	پرتونگاری از مجاری صفراوی یا زردابراه‌ها با پرتو ایکس.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
cholangitis	آماس زردابراه	التهاب زردابراه‌ها که بر اثر انسداد آن‌ها یا پس از عمل جراحی رخ می‌دهد.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
cholecystography	زهره‌نگاری	عکس‌برداری از زهره با پرتو ایکس.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
cholelithiasis	زردابستگ‌سازی	تشکیل سنگ‌های صفراوی در زهره و زردابراه‌ها.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
cholestasis, cholestasia	زردابایستی	نقصان و اختلال در رسیدن مقدار بهنجار صفرا به روده باریک که منجر به یرقان می‌شود.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم
choluria, biliuria	صفرا میزی	وجود صفرا در پیشاب که به هنگام ترشح بیش از حد صفرا در خون رخ می‌دهد.	دارم از تصویب این معادل اطلاع ندارم با این معادل موافق هستم کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم

نظر شما		تعریف	معادل فارسی	واژه بیگانه
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	کولون‌سنبی	colostomy
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	چندابتلایی	comorbidity
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	سنگال	concretion
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	مادرزادی	congenital
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	تراکم	consolidation
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	سه‌خانگی قلب، سه‌خانگی چهار خانه، سه خانه داشته‌باشد.	cor triloculare
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	تقلیب	denaturation
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	خوددگرینی	depersonalization
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	شوینده	detergent
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	راست قلبی	dextrocardia
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	دیفتری	diphtheria
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	عفونت‌زدایی	disinfection
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	موقعیت ناآگاهی	disorientation
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		
هستم نیستم	با این معادل موافق ندارم	از تصویب این معادل اطلاع ندارم	دورینه	dital
می‌کنم نمی‌کنم	کاربرد آن را به دیگران توصیه نمی‌کنم	این معادل را به کار نمی‌برم		